

۳ افق

توطئه فیرفورد
یک گزارش مشکوک از لندن

۳ دیپلماسی

جنگ یا معامله؟
آخرین تلاش میانجی‌ها در نیویورک

۴ کافه

جای خالی نوبل
امسال شانس با دولت آبادی است؟

۷ کوچه

ساخت‌وساز با هر بهانه
از توسعه مترو تا بازسازی جنگ

براساس محاسبات الهی، ایران قدرت اول جهان است

پیام رهبر انقلاب به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت سیدحسین نصرالله

آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای، رهبر انقلاب و فرمانده کل قوا، در پیامی به مناسبت سالگرد آغاز جنگ تحمیلی و ایام‌الله دفاع هشت‌ساله ملت ایران، روایت کشور از چهار دهه رویارویی با جنگ و فشار خارجی را ترسیم کردند؛ روایتی که در آن، دشمن می‌خواست با تحمیل جنگ، ایران را به روزهای عقب‌ماندگی، وابستگی و خواری بازگرداند، اما نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل از دل آتش جنگ «قنوس‌وار برخاست» و در هر حادثه دشمن‌ساخته، بار دیگر بال گشود و اکنون پس از فشارهای دشمن و به‌ویژه دو جنگ تحمیلی اخیر، چنان بزرگ شده که «سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است». رهبر انقلاب در بخش دیگری از پیام، با گرامیداشت دومین سالگرد شهادت سیدحسین نصرالله، از او به‌عنوان نماد بزرگ جبهه مقاومت یاد کردند؛ چهره‌ای که به تعبیر ایشان، نام لبنان را به عظمت بلند کرد.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ
آغازین روزهای ماه مهر، یادآور ایام الله و پدیده عظیم و ماندگار دفاع هشت‌ساله جاتانه ملت ایران در جنگ تحمیلی اول است. در آن روزها تابش گرم خورشید انقلاب در پهنه سرزمین ایران، حس مطبوعی از همبستگی ملی و وفاداری به مکتب و مرام اسلام انقلابی می‌پراکند که از اثر آن بیخ‌های سلطه‌گری و استعمار کهن و نوین در حال ذوب‌شدن بود. در آن روزها بعضی از مردم ایران خاطرات بیست و چند سال قبل از آن در بدخواهی استعمارگران و حوادث مربوط به ملی‌سازی صنعت نفت و کودتای آمریکایی را به یاد داشتند. بعضی دیگر اخبار آن را شنیده بودند و بسیاری از ایشان این واقعیت که تسلط اجنبی بر شئون کشورمان چها بر سر آن آورده بود را به‌خوبی لمس کرده بودند. اما روزهای قبل از آن، روزهایی تیره و تاریک بود که سفیران دولت‌های مستکبر بایدها و نبایدها را به شاه مملکت ابلاغ می‌کردند و او هم با رغبت با بی‌میلی همان‌ها را اجرا می‌نمود تا آنکه انقلاب عظیم ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی آن بساط را برهم زد. آن روزهای تیره در اثر این انقلاب به روزهای پر نور برقراری جمهوری اسلامی ایران انجامید. این امر بر سلطه‌گرانی که چشم طمع به ثروت‌های این سرزمین دوخته بودند و سال‌ها برای از آن خود کردن آن، انواع بدی‌ها را در حق مردمان آن روا داشته بودند، بسیار گران می‌آمد. بنابراین از آن پس همه هم و تلاش خود را برای برگرداندن جریان رود خروشان ملت انقلابی به سمت سابق به‌کار بستند و جنگ تحمیلی اول، مهم‌ترین اقدام آنان در دهه نخست حیات مبارک جمهوری اسلامی بود.

از دل آتش آن جنگ که به‌دست حزب ضد‌مردمی بعث و با توهم جنگی چند روزه و به‌دست آوردن پیروزی‌ای کم‌حمت افروخته شده بود، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، قنوس‌وار برخاست با صدایی رساتر و پروازی بلندتر از سابق؛ و این خصلت مستمر این نظام در حوادث دشمن‌ساخته بعدی شد.

آن روزهایی که دشمن این ملت نوکران خود را بر ایشان مسلط ساخته بود و شکلی نوین از استعمار را اعمال می‌نمود، به برکت انقلاب و برافراشتن پرچم اسلام و جهاد در بستر جنگ تحمیلی، به روزهایی پرافتخار تبدیل شد که هنوز پس از گذر ۳۸ سال از انتهای آن، از ملاحظه جزء جزء حوادث آن و روایت‌های صادقانه بازماندگانش، اسوه‌هایی که هر یک درس‌آموز عبادت، شجاعت، مقاومت، اخلاق و انسانیت هستند، همچون ستارگانی درخشان بر تارک تاریخ کشورمان رخ می‌نمایند.

آن روزهایی که در آغاز تهاجمات دنباله‌های نظام سلطه، کشورمان برای دفاع از خود در مقابل بسیاری از تهدیدات، دست‌ان خالی را از نظام طاغوت به ارث برده بود، به برکت اقامه حق و امداد الهی، اینک به روزهایی رسیده است که خود سلطه‌گران متجاوز، و نه دنباله‌روان آنان، در مقابل حملات رزمندگان اسلام، جان‌پناهی می‌جویند و دست التماس به ترک جنگ برمی‌دارند.

ادامه در صفحه ۲

حمله به اژدهای

سه جریان سیاسی شریان، مصاف و هواداران پایداری، به بهانه بازداشت حمید رسایی توسط قوه قضائیه، حملات سازمان‌یافته‌ای را علیه دستگاه قضا آغاز کرده و قاضی‌القضات را زیر تیغ تند نقد و تخریب قرار دادند. سازندگی به این موضوع پرداخته است



عاطفه شمس

گروه سیاسی

همزمان با اظهارات حمید رسایی درباره قطعی شدن حکم حبسش و تصمیم او برای معرفی خود به زندان، موجی از حملات سازمان‌یافته سیاسی و رسانه‌ای از سوی چهره‌ها و رسانه‌های نزدیک به سه جریان پایداری، شریان و مصاف علیه رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس آغاز شد. رسایی که پیش‌تر در نطق میان‌دستور مجلس گفته بود برای اجرای حکم خود را معرفی خواهد کرد، در عین پذیرش اصل اجرای رأی، حکم صادر شده را «عجیب»، «غیرحقوقی» و «سیاسی» خوانده و مدعی شده بود میان رؤسای قوا بر سر اجرای آن نوعی «وفاق» شکل گرفته است؛ ادعایی که از همان ساعات نخست، بهانه‌ای برای شکل‌گیری موجی از حملات علیه رؤسای دو قوه به‌ویژه محسنی‌اژه‌ای شد. ریشه پرونده به اختلافی در مجلس یازدهم و مطالب منتشرشده در هفته‌نامه «۹ دی» بازمی‌گردد. رسایی در آن مقطع مدیرمسئول این نشریه بود. طبق روایت منتشرشده درباره پرونده، یکی از مطالب با عنوان «دستکاری قالبیاف در اسناد مجلس» منتشر شد و بخش دیگری از پرونده نیز به انتشار مطلبی در فضای مجازی و استفاده از تعبیری درباره رئیس مجلس مربوط بود. قالبیاف از این مطالب شکایت کرد و پرونده در نهایت به صدور حکم حبس برای رسایی انجامید. رسایی اما در نطق اخیرش تأکید کرد که بابت اجرای حکم «شرمنده نیست» و مدعی شد، آنچه انجام داده در دفاع از نمایندگان معترض و حقوق مردم بوده است. در همین حال، پرونده رسایی از دادگاه به شبکه‌های اجتماعی کشیده شد و موجی از حملات علیه محمدباقر قالبیاف و غلامحسین محسنی‌اژه‌ای شکل گرفت. در این واکنش‌ها، اجرای حکم رسایی از سوی حامیان او به‌عنوان برخورد با یک منتقد تعبیر شد و عملکرد رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس زیر سوال رفت. بخشی از جریان نزدیک به رسایی نیز حکم او را نشانه‌ای از برخورد سیاسی با این نماینده دانست.

ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه یک

براساس محاسبات الهی، ایران قدرت اول جهان است

آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پر از عقب‌ماندگی، ذلت و خوارۄ، وابستگی و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آن هستیم پُر است از پیشرفت، عزّت، استقلال و قدرِ اَعْلای اعتبار در جهان اسلام و بلکه کل جهان. امروز کسانی ما را ابرقدرت چهارم دنیا می‌دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می‌گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلّق به عترت طاهره صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین می‌داند و عمده مردانش دلبسته آن والا مقامانند و برای اقامه حق هراسی ندارند را قدرت اول جهان می‌دانند.

آن روزها دو دریای جنوب ایران، جولانگاه نیروهای دشمن بود اما این روزها آنان به‌خاطر ضربات درآواری که از رزمندگان دلاور و محافظان تنگه هرمز خورده‌اند از دریای عرب جلوتر نمی‌آیند و هرگاه این خطر را به‌جان خریدهند، آسیبی به‌خود وارد نموده‌اند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند. روزهای بود که سلاطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای اِرعاب، خیابان‌های پایتخت را خلوت ساخته و کودتایی علیه استقلال‌جویی این ملت به راه انداختند و پس از آن ۲۵ سال ثروت‌های این مملکت را غارت کردند؛ ولی این روزها ۷ ماه است، هموطنان مسابدین و خیابان‌ها را در سراسر کشور به حضور مسئولانه و پرشور خود زینت بخشیده‌اند تا دل رزمندگان اسلام گرم باشد و دشمن در هراس فرو رود. همچنان‌که پیش از ۳۰ میلیون ایرانی، جان‌فدایی خود را اعلام نمودند و آگاه که برای نوعی سازماندهی بنابر اعلام مجتّد حضور ایشان بود، تنها در ظرف ۱۰۰ دقیقه نخست بیش از ۵۰۰ هزار نفر ظرفیت خواسته شده را تکمیل کردند. هم‌اکنون در سرتاسر ایران اسلامی که مزین به حضور ایرانیان از اقوام متنوع است، اعلام آمادگی‌های مختلف به‌خصوص آمادگی‌های مسلحانه وجود دارد تا آوردگاهی بسازد که ایشان را نام و دشمن‌شان را تنگ نصیب کند.

روزهای بود که عنصر دلیری مردمان این مرز و بوم با مردانش شناخته می‌شد؛ اما اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه از مردان سبقت می‌گیرند.

روزهایی بود که دشمن سعی کرده بود، عقبه اجتماعی نظام را دامنآب تبعیضت سازد ولی در این روزها، انواع اقتشار جامعه با تفاوت‌های آشکار با حفظ مواضع بحق خود و از جمله حفظ تنگه پر خیر و برکت هرمز پای می‌فشازند.

این مقایسه بین روزهای سابق و روزهای حال باز هم قابل بسط و توضیح است ولی در یک کلام، بنده به‌عنوان خادم مردم عزیز ایران اعلام می‌کنم که آن روزهای سابق که دشمن ما آرزوی بازگشت به آن را دارد، گذشت و دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد. و البته باید با درد و اندوه یادآور شوم که در این روزها جای خمینی کبیر و خامنای عظیم‌الشان شهید اعلی‌اللمقامهم‌الشرف که عزت امروز کشور، وامدار رهبری‌های آنان است، بسیار خالی است. ولی به برکت گنجینه ارزشمندی که از عملکرد و کلمات درخشان و هدایت‌بخش ایشان برای پیروان‌شان به‌جا مانده، روزهای آینده به‌مراتب شکوهمندتر از این روزها خواهد بود. زیرا آن ققنوسی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اول برآمد، اینک در اثر فشارهای دشمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن‌چنان بزرگ شده است که سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

در این مجال بسیار بجاست که به‌مناسبت دومین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبهه مقاومت، شهید عالی‌قدر جناب سیدحسن نصرالله قدس‌الله‌تعالی‌زکّیه، یادِی از آن‌جناب به‌عمل آید. کسی که خیرخواهی صادق برای ملت خود و مکتبش بود و خطبه‌های صادقاته و بسا حالات او و اقدامات شجاعانه‌اش، قلب مردمانش و بلکه آزادگان جهان را مستحکم می‌ساخت. کسی که نام لبنان را که کشوری کوچک است و سال‌ها حیاط خلوت بعضی قدرت‌ها شده بود را به عظمت بلند ساخت. کسی که نصرت و فتح، همراهان دائمی او بودند و کسی که بی‌تردید در طول کل تاریخ شامات تاکنون، پس از انبیاء و اوصیاء ایشان، زجلی به عظمت او در آن خطّه کهن سر بلند نکرده بود. و البته اینک پرچم پرافتخار او در دوستان جناب شیخ نعیم قاسم حفظه‌الله است که دلیرانه در پیشاپیش صفوف مستحکم و عاشورایی حزب‌الله، راه او را همچنان ادامه می‌دهند.

این روزهای لبنان در پیشگاه تاریخ و بلکه از همین حال، روزهایی برجسته و پرافتخار برای ایشان و همه مجاهدان مقاومت و روزهای ذلت‌آفرین و نهایتاً سرفاکنده‌کننده برای آن کسانی است که در مقابل دشمن صهیونی ششم‌امید به وعده‌های دروغین سلاطه‌گران و بدخواهان خود دوخته‌اند. کسانی که برخلاف سیدشهید مقاومت و سیدهاشم صفی‌الدین و مجاهدان کنونی مقاومت که در استمرار زمان چون اختراتی تابناک نورافشانی خواهند کرد و راهنمای رهجویان مانده در حیرت‌ها خواهند بود، خیلی‌زود و در اولین توتّج صفحات تاریخ، مدفون و فراموش خواهند شد و هرگاه در آینده یادی از ایشان به‌میان آید، یادآور بدی و بی‌تدبیری و حتی شاید خیانت خواهند گردید.

در پایان امیدوارم با استمرار تفضّلات الهی و دعای خاص سُرورمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف و ارواحنا فداه، ملت ایران و همه یاران مقاومت، جز با نصر و فتح و عزّت، و دشمنان‌شان جز با شکست و خواری مواجه نشوند؛ بمَن‌الله و کرّمه.

میهن

ادامه تیتیر یک

حمله به اژه‌ای

حملات مجلسی‌ها به اژه‌ای و قالیباف

در مجلس، محمدتقی تقدعلی، نماینده نزدیک به جریان پایداری، تلاش کرد با طرح چند پرسش، اجرای حکم رسایی را به چالش بکشد. او پرسید چرا رسایی با یک اتهام به ۱۰ ماه حبس محکوم شده اما پرونده رئیس‌جمهور اسبق همچنان بدون اقدام مانده است؟ آیا زندانی شدن رسایی به انسجام اجتماعی کمک می‌کند یا بخشی از مردم را ناامید خواهد کرد؟ و آیا این اتفاق برای جایگاه ریاست مجلس، آورده‌ای دارد یا به آن آسیب می‌زند؟

بیژن نوباه، عضو سابق جبهه پایداری هم روایت خود را از ریشه پرونده مطرح کرد و گفت که پرونده اولیه مربوط به سه سال قبل بوده و اعتراض نمایندگان این بوده که متن نامه امضاشده با متنی که در صحن مجلس قرائت شده، تفاوت داشته است. نوباه مدعی شد که بازپرس در آن بخش، حق را به نمایندگان داده و برای شکایت مربوطه قرار منع تعقیب صادر شده بود. به گفته او، پس از آن قالیباف با استناد به خدشه‌دار شدن شخصیتش از رسایی شکایت کرد و در نهایت، رسایی بابت بازگو کردن این ماجرا محکوم شد. نوباه در ادامه گفت اگر لازم باشد، اسناد و نامه‌های مرتبط با پرونده، از جمله نامه‌های امضاشده توسط نمایندگان، را منتشر خواهد کرد.

در ادامه این واکنش‌ها امیرحسین ثابّی، دیگر نماینده نزدیک به جریان پایداری در نامه‌ای سرگشاده خطاب به محسنی‌اژه‌ای، صدور حکم ۱۰ ماه حبس برای رسایی را مورد انتقاد قرار داد و نوشت که اصل «اتناسب جرم و مجازات» در این پرونده رعایت نشده است. او با اشاره به شکایت قالیباف از رسایی بابت یک مطلب رسانه‌ای این پرسش را مطرح کرد که چرا در پرونده‌هایی که به گفته او درباره برخی چهره‌های سیاسی و اقتصادی مطرح است، برخورد قضایی مشابهی صورت نمی‌گیرد. ثابّی همچنین هشدار داد که چنین حکمی می‌تواند، اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را کاهش دهد و از رئیس قوه قضائیه خواست درباره تناسب مجازات با اتهام مطرح شده،

توضیح دهد. مالک شریعتی، نماینده نزدیک به جبهه پایداری نیز در واکنشی کوتاه به این ماجرا نوشت: «آیا می‌توان متحیر نشد از این همه تدبیر؟»

محمدمنان رئیسی، نماینده نزدیک به جریان پایداری هم با اشاره به تماس‌هایش با دفتر قالیباف گفت از رئیس مجلس خواسته است برای جلوگیری از اجرای حکم، رضایت دهد و از شکایت خود صرف‌نظر کند. او معتقد است، زندانی شدن رسایی نه‌تنها مسئله را حل نمی‌کند بلکه می‌تواند به افزایش حساسیت‌ها و شکل‌گیری دوقطبی میان نیروهای سیاسی منجر شود. او این اتفاق را یکی دیگر از جلوه‌های «وفاق» دانست و از اینکه این وفای برخی نمایندگان «انقلابی» را در بر نمی‌گیرد، انتقاد کرد.

از «وفاق آلوده» تا تهدید به انتشار اسناد

در میان واکنش‌های بیرون از مجلس نیز متنی که با عنوان حمایت جمعی از خانواده شهدای اصفهان در کانال تلگرامی رجانویز منتشر شد، قالیباف را به «خاموش کردن صداهای» منتقد متهم کرد و مدعی شد، رئیس مجلس به‌جای مسائل اقتصادی و امنیتی کشور، پیگیر پرونده رسایی شده است. در این بیانیه، دستگاه قضایی و شخص اژه‌ای نیز از انتقاداتها در امان نماندند.

در ادامه واکنش‌ها، علی‌اکبر رائفی‌پور، مدیر مؤسسه مصاف نوشت که رسایی ماهه پیش با او تماس گرفته و از شکایت قالیباف علیه خود گفته بود. رائفی‌پور با یادآوری اظهارات قالیباف در مناظرات انتخاباتی درباره اینکه از رسانه‌ها و افراد شکایت نمی‌کند نسبت به صدور حکم ۱۰ ماه حبس برای رسایی انتقاد کرد و آن را در شرایط فعلی، محل سوال دانست. او همچنین به پرونده بیژن نوباه اشاره کرد و مدعی شد که نوباه در موضوع مشابه برتره شده و تنها برای بخش دیگری از پرونده با مجازات مالی مواجه شده است. رائفی‌پور در ادامه هشدار داد که برخورد قضایی با چهره‌هایی که خود را منتقد و مطالبه‌گر می‌دانند، ممکن است از سوی بخشی از جریان سیاسی به‌عنوان برخورد گزینشی تلقی شود.

میثم نبیلی، مدیرمسئول رجانویز و از چهره‌های رسانه‌ای جریان پایداری هم برخورد با رسایی را به «بی‌عدالتی»، «غرض‌ورزی سیاسی» و «وفاق آلوده» تعبیر کرد و نوشت که برخورد سیاسی با منتقدان از سوی اهالی قدرت محل انتقاد است و اگر چنین رفتاری از سوی دستگاه قضایی رخ دهد، حساسیت آن بیشتر خواهد بود. او همچنین در واکنشی دیگر با طرح این پرسش که «اینجا کودتایی رخ داده است؟» مدعی شد، مجموعه‌ای از اقدامات علیه برخی چهره‌های رسانه‌ای و

بررسی رویدادهای سیاسی

سیاسی جریان اصولگرا در حال شکل‌گیری است.

در میان چهره‌های حوزوی، آیت‌الله طاهری، عضو مجلس خبرگان رهبری، نیز به اجرای حکم رسایی واکنش نشان داد. او با تأکید بر ضرورت اجرای عدالت بدون تبعیض، صدور حکم برای یک نماینده «انقلابی» در شرایط فعلی را موجب شکل‌گیری یک «دوقطبی بلاوجه» دانست. طاهری در عین حال تأکید کرد که

حمید رسایی به زندان رفت

قوه قضائیه اعلام کرد حمید رسایی، نماینده تهران در مجلس، روز پنجم مهرماه ۱۴۰۵ در دادسرای ویژه روحانیت تهران حاضر و در همان روز برای اجرای حکم به بند ویژه روحانیت زندان اوین اعزام و تحویل داده شده است.

براساس اعلام قوه قضائیه، حکم محکومیت رسایی قطعی و اجرا شده است.



این قوه توضیح داده که در صورت جلب رضایت شاکی خصوصی از سوی رسایی پرونده می‌توانست در دادسرای ویژه روحانیت تهران با صدور قرار موقوفی تعقیب مختومه شود اما این رضایت حاصل نشد و پرونده پس از طی فرآیند رسیدگی قضایی به صدور حکم قطعی و اجرای آن منجر شد. قوه قضائیه همچنین درباره ادعای برخی رسانه‌ها مبنی بر برخورداری رسایی از مصونیت نمایندگی اعلام کرده که این موضوع ارتباطی با پرونده او ندارد؛ چراکه جرم مورد رسیدگی در زمانی رخ داده که رسایی نماینده مجلس نبوده است. براساس توضیحات قوه قضائیه، مطلبی با عنوان «دستکاری قالیباف در اسناد مجلس» در دی‌ماه ۱۴۰۲ در هفته‌نامه «دی» منتشر شد؛ در آن زمان رسایی نماینده مجلس نبود و به‌عنوان مدیرمسئول این نشریه تحت رسیدگی قضایی قرار گرفت. قوه قضائیه تأکید کرده که رسایی پس از طی فرآیند دادرسی در دادگاه ویژه روحانیت و صدور حکم قطعی، محکوم شده و اجرای حکم او ارتباطی با جایگاه فعلی‌اش به‌عنوان نماینده مجلس ندارد. براساس این توضیحات، از زمان ثبت اولیه پرونده تا اجرای حکم ۹۵۱ روز، معادل دو سال و هفت ماه و پنج روز، گذشته است.

اصل رأی قضایی باید اجرا شود و تشخیص درستی یا نادرستی آن بر عهده اهل فن است؛ با این حال به گفته او، مسئله اصلی رعایت یکسان قانون درباره همه افراد است. او هشدار داد اگر عدالت فقط درباره متهمان ضعیف اجرا شود و افراد قدرتمند از آن مصون بمانند این وضعیت با عدالت سازگار نخواهد بود. طاهری همچنین اجرای متفاوت احکام درباره چهره‌های سیاسی را عاملی برای خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی به دستگاه قضایی دانست و خواستار اجرای عدالت «حداکثری و بدون تبعیض» شد.

پاسخ قوه قضائیه به ادعای رسیدگی سریع

قوه قضائیه اما روایت دیگری از روند رسیدگی به این پرونده دارد. روز گذشته خبرگزاری میزان، رسانه قوه قضائیه در گزارشی پرونده رسایی که منجر به حکم قطعی ۱۰ ماه حبس تعزیری برای وی شد را مورد بررسی قرار داده و توضیح می‌دهد که شکایت علیه رسایی از ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ وارد فرآیند قضایی شد؛ ۲۵ بهمن به دادسرای ویژه روحانیت ارجاع و اول اسفند همان سال به یکی از شعب این دادسرا سپرده شد. در ۲۴ شهریور ۱۴۰۴ قرار جلب به دادرسی صادر و در ۳۱ شهریور کیفرخواست صادر شد. پرونده سپس در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی شد و رأی قطعی در ۱۱ خرداد ۱۴۰۵ صادر شد؛ یعنی ۸۳۳ روز پس از ثبت اولیه پرونده. قوه قضائیه همچنین می‌گوید، رسایی در فاصله ارجاع پرونده به دادسرا تا صدور قرار جلب به دادرسی ۵۷۴ روز فرصت داشته تا رضایت شاکی خصوصی را جلب کند؛ فرصتی که به گفته دستگاه قضا به نتیجه نرسیده است. پس از صدور رأی و طی مراحل مربوط به اجرای حکم نیز احضارهایی برای رسایی انجام شد و در نهایت حکم اجرا شد. به این ترتیب، بنا بر روایت رسمی قوه قضائیه از زمان ثبت اولیه پرونده تا اجرای حکم ۹۵۱ روز گذشته است. دستگاه قضا همچنین تأکید کرده که در صورت جلب رضایت شاکی خصوصی امکان مختومه شدن پرونده در دادسرا وجود داشت؛ اما رضایتی حاصل نشد و پرونده پس از طی مراحل دادرسی به صدور حکم قطعی رسید.

مهدی کشت‌دار، مدیرعامل مرکز ارتباطات قوه قضائیه (میزان) نیز روز گذشته خطاب به حمید رسایی نوشت: «برای آنها قانون تا وقتی قابل احترام است که در مورد خودشان اجرا نشود و تصمیم نگیرد؛ به محض اجرای قانون در مورد این افراد قانون سختگیرانه و مصداق بارز بی‌عدالتی می‌شود؛ چه در پرونده بزرگ فساد باشد چه در پرونده شخصی که نشر اکاذیب کرده است».

دفاع از حکم بازداشت رسایی

امسا واکنش‌ها به حکم رسایی حتی در میان اصولگرایان هم یکدست نبود. مجتبی زارعی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی نوشت: «این چه روشی است که یک نماینده مجرم و یک شاخ متهم به کلاهبرداری در ایتا و رئیس ستاد امر به معروف تهران اتخاذ کردند؟! آیا دادگاه‌ها صحرایی شده و به خیابان‌ها و حزب‌ها نقل مکان کرده است؟!» زارعی خطاب به حامیان رسایی گفت که دادگاه جای بیانیه و هیاهوی سیاسی نیست و تأکید کرد که اگر رسایی درباره حکم خود سوالی دارد باید پاسخ قاضی را بشنود و از مسیرهای قانونی پیگیری کند؛ چراکه «احساساتی کردن قضا و بیانیه دادن علیه سه قوه» نمی‌تواند کسی را از مسئولیت قضایی مبرا کند. او حتی خطاب به قالیباف گفت که اگر جای او بود ممکن بود خودش به زندان برود و زندانی را آزاد کند اما در عین حال تصریح کرد که رسایی بارها علیه قالیباف، اتهاماتی مطرح کرده و چنین اظهاراتی به اعتماد اجتماعی آسیب می‌زند. زارعی در نهایت به منتقدان یادآوری کرد که در شرایط جنگی، کشاندن یک پرونده قضایی به میدان منازعه سیاسی و رسانه‌ای، چیزی جز تشدید اختلاف میان نیروهای سیاسی را به‌دنبال ندارد.

تسنیم هم پس از اظهارات رسایی در مطلبی با تیتیر «درباره مغالطه‌های عجیب جناب رسایی!» واکنشی تند به اظهارات او نشان داد و نوشت: «این لجن‌پراکنی علیه حکم قضایی خودش جرم نیست؟» این خبرگزاری توضیح داد که رسایی با «عجیب» و «خلاف روال» خواندن حکم عملاً اعتبار رأی قضایی را زیر سوال برده و با طرح ادعای «سیاسی و غیرحقوقی» بودن آن، قوه قضائیه را متهم به برخورد سیاسی کرده است. تسنیم همچنین به مقایسه رسایی میان حکم خود و پرونده چهره‌هایی چون عباس عبدی، صادق زیباکلام و حشمت‌الله فلاحت‌پیشه پرداخت و پرسید آیا اگر همین افراد نیز احکام صادر

شده علیه خود را «عجیب» و «خلاف روال» بدانند، رسایی همان منطق را درباره آنها خواهد پذیرفت؟ این خبرگزاری در بخش دیگری از واکنش خود، استناد رسایی به پرونده‌های اقتصادی، ارزش‌های صادراتی و «گردن‌کلفت‌ها» را بی‌ارتباط با پرونده شخصی او دانست و تأکید کرد این موارد نمی‌تواند، توضیحی برای اتهامی باشد که بابت آن محکوم شده است. تسنیم همچنین ادعای رسایی درباره «وفاق» میان سران قوا را به‌معنای نسبت دادن شائبه سیاسی‌کاری به دستگاه قضایی دانست.

روزنامه خراسان نیز در انتقاد از برخورد سیاسی حامیان جریان پایداری با احکام قضایی برای فعالان سیاسی و رسانه‌ها نوشت: «امتناع رسایی از عذرخواهی از مواردی است که دادگاه به نتیجه رسیده که وی از کرده خود پشیمان که نیست هیچ با گردن‌کشی مقابل دستور مقام قضایی، سعی در حل‌وفصل ماجرا ندارد؛ به همین دلیل حکم به بیش از حدالق نیز در این باره صحیح به‌نظر می‌رسد». تابناک هم سخنان رسایی را مجموعه‌ای از تناقض‌ها دانست و تأکید کرد که رسایی از یک طرف می‌گوید، قصد فشار بر قوه قضائیه را ندارد و از طرف دیگر حکم را سیاسی و غیرحقوقی می‌خواند؛ از یک‌طرف بر تمکین به رأی تأکید می‌کند و از طرف دیگر درباره چرایی صدور آن به دستگاه قضایی اعتراض می‌کند.

کبری آسوپار، روزنامه‌نگار سیاسی اصولگرا، هم با اشاره به واکنش‌های اخیر حامیان رسایی نوشت: «می‌شود تا همیشه برای دیگران روزه تمکین به رأی دادگاه‌های جمهوری اسلامی را خواند؛ اما اینکه وقتی پای خودمان و جناح‌مان و رفیق سیاسی‌مان وسط باشد، چقدر اعتبار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را حفظ می‌کنیم، مهم است: برخی فقط تا جایی با ساختارهای نظام هستند که ساختار نظام با آنها باشد».

بخشی از کاربران در شبکه اجتماعی ایکس نیز از اجرای حکم رسایی استقبال کرده و تأکید داشتند که جای فرد محکوم، فارغ از جایگاه سیاسی و عنوان نمایندگی‌اش، زندان است. در این واکنش‌ها سبایقه اظهارات و رفتارهای رسایی نیز دوباره به میان آمد و برخی کاربران تأکید کردند که نمایندگی مجلس نباید به‌معنای مصونیت از اجرای حکم قضایی باشد. گروهی دیگر هم با اشاره به اینکه موضوع پرونده مربوط به دوره‌ای است که رسایی نماینده مجلس نبوده و حکم نیز پس از طی مراحل قضایی صادر شده، حملات به محسنی‌اژه‌ای و قوه قضائیه را سیاسی‌توصیف کردند. برخی کاربران نیز از اینکه رسایی بابت آنچه آنها «رفتارهای خارج از چارچوب» می‌دانستند با حکم قضایی روبه‌رو شده است، ابراز رضایت کردند. در همین فضا، هشتگ «جای مجرم در زندان است، نه مجلس» نیز در میان واکنش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی دیده شد.

توطئه فیرفورد

ایران اتهامات را مغرضانه و بی‌اساس دانست

گروه بین‌الملل: صبح یک‌شنبه، ماجرای فیرفورد وارد مرحله‌ای تازه شد؛ این بار نه با پرواز بمب‌افکن‌های آمریکایی یا هشدارهای تهران بلکه با حضور نیروهای ضدتروریسم بریتانیا. حدود ساعت ۱۲:۴۵ بامداد ۲۷ سپتامبر، پلیس گرازشی درباره سه خودروی مشکوک در نزدیکی پایگاه هوایی سلطنتی فیرفورد دریافت کرد.

یک شهروند محلی، خودروها را در حوالی روستای «ولفورد» دیده و موضوع را به پلیس اطلاع داده بود. نیروهای مسلح پلیس به سرعت در محل حاضر شدند و پنج مرد را بازداشت کردند. ماجرا خیلی زود ابعاد امنیتی گسترده‌تری پیدا کرد. نیروهای خنثی‌سازی بمب ارتش بریتانیا به منطقه اعزام شدند و سه ون سفیدرنگ را با استفاده از ربات‌های ویژه بررسی کردند. پلیس ابتدا بازداشت‌شدگان را به ظن ارتکاب جرایم مرتبط با مواد منفجره تحت بازجویی قرار داد سپس اتهام «آماده‌سازی برای انجام یک اقدام تروریستی» نیز مطرح شد. حدود ۸۵ خانه در منطقه تخلیه و محدوده‌ای امنیتی ایجاد شد و ساکنان ولفورد برای مدتی خانه‌های خود را ترک کردند. براساس اعلام پلیس هر پنج نفر شهروند بریتانیا و ساکن منطقه لندن هستند و در دهه سوم زندگی خود قرار دارند. با وجود این، پلیس هنوز درباره انگیزه آنها یا اقدام احتمالی که در حال طراحی بوده‌اند، نتیجه‌ای اعلام نکرده است.

واکنش سفارت ایران

در همین شرایط، سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن به گزارش‌ها درباره احتمال ارتباط تهران با حادثه فیرفورد واکنش نشان داد. سفارت روز دوشنبه گمانه‌زنی‌هایی که بازداشت پنج

نفر را به ایران مرتبط می‌کنند، رد کرد و این ادعاها را «بی‌اساس و مغرضانه» خواند. سفارت همچنین اعلام کرد که به‌طور قاطع هرگونه تلاش برای مرتبط کردن ایران با این بازداشت‌ها را رد و محکوم می‌کند و نسبت به آنچه «تبلیغات ایران‌هراسانه» در بریتانیا خوانده، هشدار داد. این موضع در شرایطی مطرح شده که تحقیقات پلیس بریتانیا همچنان ادامه دارد و تاکنون نتیجه‌ای درباره دخالت یا ارتباط یک دولت خارجی با این پرونده اعلام نشده است.

دیپلماسی

جنگ یا معامله؟

آخرین تلاش میانجی‌ها در نیویورک

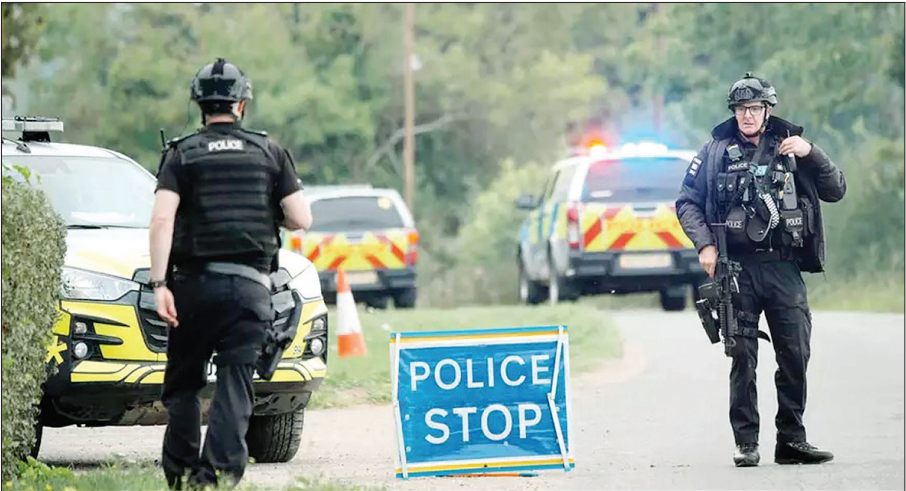
ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

یک طرف می‌گوید پیشنهاد را رد کرده، طرف دیگر می‌گوید هنوز پاسخ رسمی را دریافت نکرده و میانجی‌ها همچنان بین دو پایتخت پیام ردوبدل می‌کنند. در نیویورک، جایی که چند روز پیش، رهبران جهان برای مجمع عمومی سازمان ملل گردهم آمده بودند حالا دیپلماسی دیگری در جریان است؛ دیپلماسی‌ای که نه پشت میز رسمی مذاکره بلکه در اتاق‌های بسته و از مسیر میانجی‌های قطری دنبال می‌شود. روی میز، پیشنهادی قرار دارد که اگر به نتیجه برسد، می‌تواند تنها ظرف ۷ روز یکی از مهم‌ترین گره‌های جنگ را باز کند: توقف مخاصمات و بازگشایی تنگه هرمز. خبرگزاری رویترز گزارش داده که میانجی‌های قطری قرار است، دوشنبه یا سه‌شنبه به‌صورت جداگانه با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران و طرف آمریکایی گفت‌وگو کنند. محور رایزنی‌ها نیز نسخه اصلاح شده پیشنهاد ۷ روزه‌ای است که تهران در حاشیه مجمع عمومی ارائه کرده است. عراقچی همچنان در نیویورک مانده و این یعنی برخلاف ظاهر ماجرا، پرونده مذاکره هنوز بسته نشده است.

توافقی که رد شد اما نمرد

تناقض از همین‌جا آغاز می‌شود. دونالد ترامپ روز شنبه صراحتاً اعلام کرد که پیشنهاد ایران را رد کرده است. او گفت تهران خواهان توافقی برای بازگشایی فوری هرمز است اما توافق مورد نظر واشنگتن چیز دیگری است. با این حال یک روز بعد، ترامپ در گفت‌وگو با «آکسیوس» گفت انتظار دارد، مذاکرات با ایران در همین هفته از سر گرفته شود. به گفته آکسیوس، میانجی‌های قطری نیز در حال رفت‌وآمد میان دو طرف و تلاش برای اصلاح متن پیشنهادی هستند. به این ترتیب آنچه روی زمین دیده می‌شود با آنچه در اتاق‌های دیپلماتیک می‌گذرد، تفاوت دارد. در برابر دوربین‌ها، ترامپ از رد پیشنهاد ایران سخن می‌گوید؛ پشت صحنه، میانجی‌ها همان پیشنهاد را اصلاح می‌کنند و دوباره روی میز می‌گذارند. ایران نیز می‌گوید هنوز منتظر پاسخ رسمی آمریکا از طریق میانجی‌هاست. خبرگزاری رسمی ایرنا اعلام کرده بود که هیأت ایرانی در نیویورک برنامه‌ای برای مذاکره مستقیم با آمریکا ندارد و مواضع تهران پیش‌تر به‌صورت روشن از طریق میانجی قطری منتقل شده است.



را فراهم می‌کند. در جریان جنگ ایران و آمریکا نیز حضور بمب‌افزارهای آمریکایی در این پایگاه، اهمیت آن را دوچندان کرد. به این ترتیب فیرفورد اکنون در نقطه تلاقی سه مسئله قرار گرفته است: همکاری نظامی لندن و واشنگتن، هشدارهای تهران درباره استفاده از پایگاه‌های خارجی در جنگ و نگرانی‌های امنیتی بریتانیا. سفارت آمریکا در لندن پس از این اتفاق به شهروندان آمریکایی درباره افزایش احتمالی خطر برای مراکز و تجمعات مرتبط با آمریکا هشدار داد. فعلاً ارتباط میان بازداشت‌شدگان و ایران ثابت نشده و سفارت جمهوری اسلامی نیز آن را به صراحت رد کرده است. اما همین که یک حادثه امنیتی در نزدیکی پایگاهی رخ داده که در ماه‌های اخیر درگیر عملیات مرتبط با جنگ ایران بوده، نشان می‌دهد که تبعات این جنگ دیگر صرفاً در میدان‌های خاورمیانه باقی نمانده و دامنه آن تا یکی از حساس‌ترین تأسیسات نظامی بریتانیا کشیده شده است.

آمریکا

جنگال یک سفر محرمانه

نتانیاهو به امارات رفت؟

شبکه ۱۲ اسرائیل ابتدا گزارش داد که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، یک‌شنبه ۲۷ سپتامبر، مخفیانه با یک هواپیمای خصوصی به ابوظبی سفر کرد و با محمد بن‌زاید آل‌نهیان، رئیس دولت امارات، دیدار کرده است. سایر رسانه‌های اسرائیل هم این موضوع را گزارش کردند ازجمله روزنامه جروزالم پست به نقل از منابع‌اش نوشت که ایران موضوع اصلی گفت‌وگو با محمد بن‌زاید آل‌نهیان بوده است. به نوشته این روزنامه، نتانیاهو «فشار زیادی» بر اماراتی‌ها وارد کرد تا پیش از انتخابات اسرائیل دیداری را ترتیب دهند. روزنامه هآرتس اخیراً در گزارشی که به‌شدت در اسرائیل خبرساز شده است، نوشت که محمد بن‌زاید حدود ۱۰ روز پیش از حملات هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به بنیامین نتانیاهو هشدار داده بود که رهبر حماس برای حمله‌ای گسترده آماده می‌شود. نتانیاهو با رد این گزارش، هآرتس را به ششکایت تهدید کرده است. براساس گزارش شبکه ۱۲ که اواخر شب گذشته (یک‌شنبه‌شب) منتشر شد، نتانیاهو چند ساعت در ابوظبی بود و دیدارش با محمد بن‌زاید حدود ۴۵ دقیقه طول کشید. ولاند نل، خبرنگار بی‌بی‌سی در خاورمیانه، می‌گوید که نخست‌وزیر اسرائیل و هیأت همراهش با چند هواپیمای خصوصی جداگانه سفر کردند. یک مقام ارشد اسرائیلی نیز در گفت‌وگو با خبرنگاران محلی این را تأیید کرده است. انتخابات اسرائیل کمتر از یک ماه دیگر برگزار می‌شود و رقابتی بنیامین نتانیاهو، او را مسئول شکست‌های امنیتی می‌دانند که به حمله هفتم اکتبر حماس به اسرائیل منتهی شد.

امارات متحده عربی هم از اظهارنظر درباره این گزارش خودداری کرده اما می‌گوید از زمان عادی‌سازی روابط دیپلماتیک دو کشور در سال ۲۰۲۰ «کانال‌های ارتباطی باز و مستقیمی» با اسرائیل دارد. اردیبهشت ماه امسال هم دفتر بنیامین نتانیاهو از سفر او به امارات در بحبوحه جنگ ۴۰ روزه خبر داد اما امارات متحده عربی بلافاصله این سفر را تکذیب کرد.



سنگینی دارد. نرخ ریال نیز در ۲۸ سپتامبر به رکورد جدیدی در برابر دلار رسید؛ نشانه‌ای از فشاری که تحریم‌ها و جنگ بر اقتصاد ایران وارد کرده‌اند. برای واشنگتن نیز ادامه جنگ بدون هزینه نیست. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در نوامبر نزدیک است و هرگونه افزایش قیمت نفت یا گسترش جنگ در منطقه می‌تواند، محاسبات سیاسی و اقتصادی دولت ترامپ را پیچیده‌تر کند. از همین‌رو زمان به یک بازیگر مستقل در مذاکرات تبدیل شده است. هرچه جنگ طولانی‌تر شود، فشار بر ایران افزایش می‌یابد؛ اما هم‌زمان هزینه‌های منطقه‌ای و جهانی ادامه درگیری نیز بیشتر می‌شود.

خلیج فارس، ضلع سوم معامله

در این میان، کشورهای عربی خلیج فارس نیز نمی‌خواهند صرفاً تماشاگر تصمیم واشنگتن و تهران باشند. آنها از یک‌سو خواهان پایان بحران هرمز و بازگشت جریان عادی انرژی هستند و از سوی دیگر در صورت تشدید جنگ، خود را در معرض پیامدهای مستقیم آن می‌بینند. گزارش‌هایی نیز منتشر شده که نشان می‌دهد، عربستان و امارات درباره میزان امتیازدهی واشنگتن به تهران، موضوعی متفاوت از برخی تلاش‌های میانجی‌گرانه دارند. سفر فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان به واشنگتن نیز در همین فضای پرتنش انجام شده است. بنابراین مسئله دیگر فقط «ایران یا آمریکا» نیست. هر تصمیمی درباره هرمز، تحریم‌ها و ادامه جنگ پای کشورهای عربی، بازار نفت و امنیت زیرساخت‌های منطقه را نیز به میان می‌کشد.

جنگ یا معامله؟

اکنون معادله به نقطه‌ای رسیده که هیچ‌کدام از دو طرف نمی‌تواند به‌سادگی آن را به نقطه صفر برگرداند. ترامپ پیشنهاد ایران را رد کرده اما هم‌زمان انتظار مذاکره دوباره دارد. تهران می‌گوید برای جنگ آماده است اما همچنان مسیر دیپلماسی را باز گذاشته است. میانجی‌ها نیز به‌جای اعلام شکست، مشغول اصلاح متن پیشنهادی هستند. در چنین شرایطی «هفت روز» دیگر فقط یک بازه زمانی نیست؛ مقیاس فاصله میان جنگ و توافق است. اگر میانجی‌ها بتوانند این فاصله را پر کنند، هرمز می‌تواند از یک میدان فشار به نخستین نقطه اجرای یک توافق مرحله‌ای تبدیل شود. اگر نه، همان آبراهی که امروز ابزار چانه‌زنی است، می‌تواند بار دیگر به مرکز تشدید جنگ تبدیل شود. ترامپ در برابر یک پیشنهاد قرار دارد که آن را رد کرده اما هنوز نتوانسته پرونده‌اش را ببندد. تهران نیز پیشنهادی را روی میز گذاشته که برای اجرای آن هرمز را گرو گذاشته است. میان این دو موضع، تنها یک چیز همچنان حرکت می‌کند: پیام‌هایی که میانجی‌ها در سکوت میان دو طرف جابه‌جا می‌کنند و شاید نتایج مهم در همین رفت‌وآمدهای بی‌سروصدا تعیین شود.



امتیاز باز کند و واشنگتن نیز نمی‌خواهد پیش از گرفتن امتیازهای مورد نظر خود، فشار اقتصادی و نظامی را کاهش دهد. اختلاف اصلی نیز همین‌جاست. تهران می‌خواهد ابتدا فشار برداشته شود تا هرمز باز شود سپس درباره مسائل دشوارتر مذاکره شود. دولت ترامپ، در مقابل، خواهان امتیازهای بیشتری از ایران به‌ویژه در پرونده هسته‌ای است. آکسیوس گزارش داده که همین اختلاف در مذاکرات غیرمستقیم نیویورک نیز خود را نشان داده است.

زمان علیه همه کار می‌کند

ایسن کشمکش در خلأ رخ نمی‌دهد. تنگه هرمز به یکی از اصلی‌ترین نقاط فشار جنگ تبدیل شده و اختلال در عبور کشتی‌ها، پیامدهای گسترده‌ای برای بازار انرژی داشته است. پیش از جنگ حدود یک‌پنجم محموله‌های نفت و گاز جهان از این مسیر عبور می‌کرد. برای تهران، ادامه فشار اقتصادی هزینه



نماد و نمود تاریخ و فرهنگ ایران

روایت زاگرس زند از چرای موج اقبال از شاهنامه



به تازگی ویدئوها و پست‌های متعددی در فضای مجازی منتشر شده که در آن‌ها ناشران و افراد مختلف از استقبال مخاطبان از شاهنامه سخن می‌گویند. کسانی که استطاعت مالی بیشتری داشته‌اند، تصحیح چند جلدی جلال خالقی مطلق را خریده‌اند و کسانی که درآمد کمتری داشته‌اند، به شاهنامه یک جلدی چاپ مسکو بسنده کرده‌اند. خرید شاهنامه امروز برای بخشی از خریداران بیش از آن‌که صرفاً خرید یک کتاب باشد، به‌نوعی آئین فرهنگی-سیاسی تبدیل شده است؛ گویی در لحظه‌ای که ایران برای بسیاری از مردم در معرض اضطراب‌های سیاسی جغرافیایی و هویتی قرار گرفته، شاهنامه به چیزی بیش از یک متن ادبی بدل شده است؛ به نماد فشرده‌ای از ایران. از این منظر خریدن شاهنامه نوعی کنش نمادین است؛ کنشی که در آن فرد احساس می‌کند یا به خانه بردن کتاب، چیزی از ایران را نیز حفظ می‌کند. شاهنامه در این وضعیت دیگر فقط کتابی برای خواندن نیست؛ تبدیل می‌شود به شیئی که باید نگه داشت و به نسل بعد سپرد. به همین دلیل است که حتی در شرایط فروپاشی اقتصاد کتاب، خرید شاهنامه می‌تواند افزایش پیدا کند.

زاگرس زند، پژوهش‌گر تاریخ، ایران‌شناسی و شاهنامه و مؤلف کتاب «شاهنامه و پایان ساسانیان» در گفت‌وگو با اینا دربارهٔ موج اقبال به شاهنامه می‌گوید: «افزایش فروش شاهنامه در این سال‌ها می‌تواند به دو علت باشد؛ خواندن بیشتر و کنش نمادین که هر دو مهم و باارزش است. هرچند باوجود گرانی کتاب به‌ویژه شاهنامه ویرایش خالقی مطلق، خریداران این کتاب اراده و انگیزه‌ای برای خواندن دارند یا در انجمن‌های شاهنامه شرکت می‌کنند یا پژوهش‌گر هستند. کسانی هم که نمی‌خوانند، لابد داشتن آن در خانه و کتاب‌خانه خود را مهم دانسته‌اند که این نیز مهم است و فرزندان و نوه‌هایشان حتماً روزی آن شاهنامه را ورق خواهند زد».

فراتر از یک کتاب

به اعتقاد زند مهم‌ترین عاملی که خرید کتاب در شرایط اقتصادی بد را توجیه می‌کند، نیاز فکری و فرهنگی و نیاز هویتی است و در ادامه می‌گوید: «ایرانیان حتی کم‌سودها در ناخودآگاه خود به حساسیت هویت ملی و تاریخی خود واقف هستند و هرگاه آن‌را در خطر ببینند، واکنشی نشان می‌دهند. مثلاً نوروز را مفصل‌تر برگزار می‌کنند یا به دیدن آثار تاریخی و موزه‌ها می‌روند و یا به شاهنامه و نقالی روی می‌آورند. در تاریخ ایران همیشه این روند و چرخه تکرار شده است. در همه ملت‌ها رابطه استواری میان یحران‌های سیاسی و هویتی جامعه با پناه بردن به نمادهای تاریخی وجود دارد. در طول تاریخ هم چنین بوده. دست‌کم در مورد ایران، که هم مطالعات من بیشتر بوده هم درک بی‌واسطه معاصر و هرروزه با او داریم و هم درک تباری، تردید ندارم که چنین هست و بوده و از کارسازترین شیوه‌های دفاعی و پایداری و بازسازی ما بوده است».

به اعتقاد زند تفاوت چندانی بین دو دیدگاه «شاهنامه به‌عنوان کتاب» و «شاهنامه به‌عنوان نماد ایران» وجود ندارد و در ادامه می‌گوید: «شاهنامه هیچ‌گاه فقط یک کتاب نبوده و همواره فراتر از کتاب بوده. همیشه نماد و نمود تاریخ و هویت و فرهنگ ایرانی و ملی ما بوده. خوشا به‌حال ملتی که مهم‌ترین نماد هویتی و ادبی و تاریخی او یک کتاب باشد!»

این پژوهش‌گر شاهنامه توجه بیشتر به شاهنامه را شاخص خوبی برای گرایش و نوع هویت ملی می‌داند و می‌گوید: «این‌که چه رنگ و بو و سویه‌ای دارد. از چه نوعی است و به چه سمتی می‌رود. تجربه معاصر ما به جامعه آموخته که دور شدن از ایرانیت و ریشه‌های کهن و آویختن و امید واهی بستن به دیگر هویت‌هایی چون جهان وطنی و قومی و مارکسیستی، چه خطرهای بیشتر و حتی جبران‌ناپذیری می‌تواند همراه داشته باشد، که برخی را تجربه کرده‌ایم و آموخته‌ایم».



جای خالی نوبل

وجود ۱۶ کتاب از محمود دولت‌آبادی در کتاب‌خانهٔ نوبل
آیا نشانه‌ای از شانس او برای دریافت این جایزه است؟

درحالی که به معرفی برندهٔ نوبل ادبیات ۲۰۲۶ نزدیک می‌شویم، بار دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره سازوکارهای دخیل در انتخاب برندهٔ مهم‌ترین جایزه دنیای ادبیات افزایش یافته است. به فاصلهٔ کمتر از دو هفته تسا اعلام برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۶ بار دیگر توجه‌ها به نام نویسندگانی جلب شده که طی سال‌های گذشته در محافل ادبی بین‌المللی به‌عنوان گزینه‌های احتمالی این جایزه مطرح بوده‌اند. در میان نویسندگان ایرانی، محمود دولت‌آبادی یکی از نام‌هایی است که سابقهٔ طولانی‌تری در این گمانه‌زنی‌ها دارد.

چرا دولت‌آبادی نوبل نگرفته؟

اگر چه نوبل ادبیات، از مهم‌ترین جوایز ادبی دنیاست، اما حتی نویسندگان بزرگی چون لئو تولستوی، مارسل پروست، توماس هاردی، آنتوان چخوف، ماسک تواین، خورخه لوئیس بورخس و کارلوس فوئنتس هم موفق به گرفتن آن نشدند و این به این معناست که نمی‌توان آن را معیار اصلی برای اهمیت جهانی یک نویسنده دانست.

محمود دولت‌آبادی که از بزرگ‌ترین نام‌ها در ادبیات داستانی ایران است و با رمان «کلیدر» به شهرتی کم نظیر در ادبیات معاصر ایران دست پیدا کرد، دو دهه پیش در گفت‌وگویی دربارهٔ این‌که آیا نویسندگان ایرانی از نظر جهانی در جایگاهی هستند که امکان دریافت نوبل ادبیات را داشته باشد؟ گفته بود: «شخصاً اطلاع دقیق دارم که در سال ۱۳۶۵-۱۳۶۴ محمود دولت‌آبادی از ایران کاندیداتوری‌اش روی آنتن‌ها رفت و از آن زمان هم، یکی، دو-سه بار من رفتم تا پای نوبل ولی به هر حال، به دیگری تعلق گرفت. من شخصاً مدعی‌ام

گزارش: سینه‌مای مستند

که من از بسیاری از نویسندگانی که نوبل گرفتند، نویسنده‌تر هستم». به گفتهٔ دولت‌آبادی، زمانی که او به دعوت دانشگاه میشیگان در آمریکا به‌سر می‌برد، «کلیدر» نامزد جایزه نوبل ادبیات شد.

آن‌ها به دولت‌آبادی پیشنهاد بورس ۹ ماهه و ۳۰ هزار دلاری دادند و گفتند در صورتی که بماند تا کلیدر به انگلیسی ترجمه شود، قطعاً این رمان نوبل ادبیات را دریافت خواهد کرد، ولی او این پیشنهاد را نپذیرفت و برای تمام کردن کتاب «روزگار سپری‌شدهٔ مردم سال‌خورده» که به‌زعم او فقط باید در ایران نوشته می‌شد، به ایران برگشت. پس از آن دبیر کانون نویسندگان سوئد به او پیشنهاد اقامت در سوئد را داد و به دولت‌آبادی گفت: «در این‌جا بهمان، خانواده‌ات را هم می‌آوریم، جنگ است، ما جنگ را تجربه کرده‌ایم، کنار گوش‌مان بوده است، جنگ یعنی جهنم!» دولت‌آبادی در جواب لبخندی می‌زند و می‌گوید: «بله، اما من هم جهنمی هستم!»



یکی از نشانه‌های توجه آکادمی سوئد به نویسندگان

کتاب‌خانهٔ نوبل متعلق به آکادمی سوئد، کتاب‌خانه‌ای عمومی است که سال ۱۹۰۱ افتتاح شده و عموم مردم امکان امانت گرفتن مجموعه کتاب‌های آن را دارند. این کتاب‌خانه از ابتدا با هدف پشتیبانی از کار ادبی مرتبط با جایزهٔ نوبل شکل گرفت و برای تأمین منابع مورد نیاز «کار روی جایزهٔ ادبیات» ایجاد شد و مجموعهٔ آن عمدتاً شامل ادبیات مدرن، آثار مربوط به تاریخ ادبیات، زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و منابع مرجع است. آکادمی سوئد نیز در توضیح تاریخ کتاب‌خانه تأکید می‌کند اگرچه جایزهٔ نوبل همچنان محور اصلی فعالیت آن است، مجموعهٔ کتاب‌خانه صرفاً به آثاری که برای کار نوبل لازم هستند، محدود نیست. این مجموعه اکنون بیش از ۲۰۰ هزار جلد دارد و در سال‌های اخیر حدود ۲ هزار عنوان در سال به آن افزوده شده است. فهرست منتشرشده در برخی منابع مدعی است که تعداد کتاب‌های موجود از نویسندگان مختلف در کتاب‌خانهٔ نوبل،

می‌تواند یکی از نشانه‌های مورد توجه آکادمی سوئد باشد و تعداد نسخه‌های موجود از آثار در کتاب‌خانه نیز می‌تواند میزان علاقهٔ آکادمی به یک نویسنده را نشان دهد. اما انتخاب برندهٔ نوبل پیچیده‌تر از این‌هاست و در حالی که کتاب‌خانه نوبل واقعاً در فرآیند بررسی نامزدها نقش دارد، اما هیچ مدرک رسمی در دست نیست که تعداد کتاب‌های یک نویسنده در این کتاب‌خانه، به‌تنهایی یا به‌صورت یک معیار کمی، شانس او برای دریافت جایزه را تعیین کند. در برخی منابع اینترنتی، در کنار فهرستی از نویسندگان مطرح برای کسب نوبل ادبیات، تعداد کتاب‌های موجود از هر نویسنده در کتاب‌خانهٔ نوبل نیز ذکر شده است. این صفحه هم‌چنین مدعی شده

نشده و در عملیات نظارت و کشتار از راه دور غیرنظامیان فلسطینی در غزه مشارکت داشته‌اند، روایت می‌کند. آنها درباره سیستم‌های مجهز به هوش مصنوعی که برای انتخاب اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرند، توضیح می‌دهند.

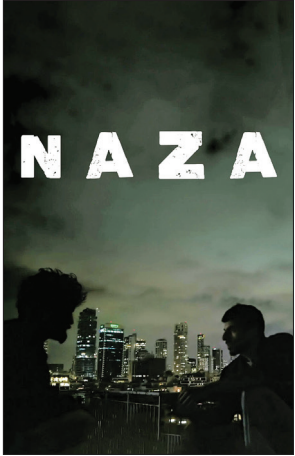
عنوان فیلم از سرواژه‌ای گرفته شده که دستگاه اطلاعاتی اسرائیل به‌صورت غیرمستقیم برای نشان دادن تعداد غیرنظامیانی به کار می‌برد که انتظار می‌رود در یک حمله هوایی کشته شوند. این حملات اغلب شب‌ها و در خانه‌های شخصی انجام می‌شوند و در یک حمله، اعضای زیادی از یک خانواده، ازجمله کودکان، جان خود را از دست می‌دهند. راشل زور در جلسه پرسش و پاسخ پس از نمایش فیلم در جشنواره فیلم نیویورک گفت: «کشور ما تلاش زیادی می‌کند تا این سیستم‌ها را پنهان نگه دارد. این جهانی نیست که حتی برای مردم اسرائیل نیز شفاف و در دسترس باشد». یووال آبراهام نیز گفت: «این جنایت‌هایی که دیدید همچنان ادامه دارند. آنها ادامه دارند چون

مستند افشاگرانه درباره جنایات ارتش اسرائیل، از مسیر جشنواره فیلم نیویورک به آمریکا رسیده و در پی خود موجی جنجال برجا گذاشته است.

مستند اسرائیلی «نازا» به‌عنوان ابزاری اجتماعی، دو هدف را دنبال می‌کند: از یک‌سو می‌خواهد جنبشی در آمریکا برای قطع بودجه ارتش اسرائیل به راه بیندازد و از سوی دیگر تلاش دارد بر افکار عمومی و رأی‌دهندگان اسرائیلی در آستانه انتخابات ماه آینده این کشور تأثیر بگذارد. موفقیت هدف دوم، به تعبیر یووال آبراهام، کارگردان فیلم، «نفوذ از دیوارهای توجیه و سکوت در جامعه اسرائیل» در هفته‌های آینده و در فاصله ۶هزار مایلی آمریکا مشخص خواهد شد؛ زمانی‌که رأی‌دهندگان تصمیم می‌گیرند آیا بنیامین نتانیاهو را بار دیگر به قدرت بازگردانند یا نه. اما این هدف نخست بود که در آخر هفته گذشته، نخستین گام مهم خود را برداشت؛ زمانی‌که آبراهام و راشل زور، همکار و کارگردان فیلم، مستند تولیدشده توسط گاردین را با نمایش در جشنواره فیلم نیویورک به آمریکا آوردند و با استقبالی پرشور روبه‌رو شدند. آبراهام آشکارا گفت هدفش از آوردن فیلم به نیویورک و همچنین اکران آن در سینماهای سراسر آمریکا، تغییر محاسبات سیاسی است.

سازندگان مستند تحسین‌شده «نازا» درباره کشتار گسترده و سیستماتیک فلسطینی‌ها در غزه از سوی اسرائیل، در نخستین نمایش فیلم در آمریکای شمالی در نیویورک از یافته‌های خود دفاع کردند؛ این نمایش در شرایطی برگزار شد که اعتراض‌ها در اسرائیل ادامه دارد و تهدیدهای مقام‌های اسرائیلی برای سلب تابعیت آنها شدت گرفته است. این فیلم که با استقبال منتقدان روبه‌رو شده، به کارگردانی یووال آبراهام و راشل زور، در فیلم‌ساز برنده اسکار، و با تهیه‌کنندگی گاردین ساخته شده است. «نازا» شهادت ۲۴ سرباز و افسر اطلاعاتی اسرائیلی را که هویت‌شان فاش

این کاری است که کشور ما انجام می‌دهد و همچنین به دلیل کاری که کشور شما از آن حمایت و آن را تأمین مالی می‌کند». مستند ۸۰ دقیقه‌ای «نازا» که به‌صورت مخفیانه روی پشت‌بام‌های تل‌آویو فیلم‌برداری شده، بر پایه گزارش‌هایی ساخته شده که از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ در گاردین، مجله ۹۷۲+، یک نشریه اسرائیلی-فلسطینی، و رسانه عبری‌زبان «لوکال کال» منتشر شده‌اند. این فیلم در اوایل ماه جاری میلادی برای نخستین‌بار در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد و با ۲۵ دقیقه تشویق ایستاده تماشاگران روبه‌رو شد؛ رکوردی در تاریخ این جشنواره. «نازا» در ادامه جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره را نیز دریافت کرد. فیلم با واکنش شدید مقام‌های اسرائیلی و همچنین تهدیدهایی علیه سازندگانش روبه‌رو شده است؛ آن‌هم در آستانه انتخاباتی پرتنش که بخش عمده بحث‌های آن بر ادامه عملیات بنیامین نتانیاهو در غزه متمرکز است. براساس آمارهای مورد استناد این گزارش، این جنگ تاکنون بیش از



گزارش: تئاتر ایران

میراث یک استاد

مستند «این صحنه خانه من است»

روایت صحنه، خاطره و حمید سمندریان

فرزانه متین	
 روزنامه‌نگار	
مستند از مجموعه «و قه‌ها»	

است؛ مجموعه‌ای که علاقه‌مندان با مراجعه به صفحه اصلی سایت هاشور می‌توانند به سایر فیلم‌های آن، شامل «جادونویس»؛ زندگی تئاتری نغمه ثمنینی، «بازی‌نویس»؛ زندگی تئاتری محمد رضایی‌راد، «رویای ناتمام»؛ زندگی تئاتری حمید پورآذری، «مرگ در حمام بنفش»؛ زندگی تئاتری حسین کیانی، «کمدی‌نویس»؛ زندگی تئاتری کوروش نریمانی و «در مضار توتون»؛ زندگی تئاتری محمدحسن معجونی، به نویسندگی و کارگردانی آریان رضایی نیز دسترسی پیدا کنند. این مستند ۷۸ دقیقه‌ای به زندگی کاری و حرفه‌ای «افسانه ماهیان»، از بازیگران و کارگردانان نام‌آشنای تئاتر در دو دهه اخیر، می‌پردازد؛ اما آنچه این فیلم گفت‌وگومحور را متمایز کرده، آن است که از دل گفت‌وگوهای افسانه ماهیان، زنی بااراده و دارای پشتکار، ادای دینی به استاد حمید سمندریان (۱۳۱۰–۱۳۹۱) شکل گرفته است. نام مستند نیز برگرفته از کتابی به همین نام است؛ کتابی که حاصل زندگی، اندیشه و آثار حمید سمندریان است و به گردآوری افسانه ماهیان منتشر شده است. نقطه قوت این مستند را باید زنده نگه‌داشتن نام استاد بی‌بدیل تئاتر ایران دانست؛ هنرمندی که تأثیرش بر نسل‌های مختلف تئاتر ایران را نمی‌توان نادیده گرفت و ماهیان نیز علاوه بر سال‌ها فعالیت در عرصه بازیگری و کارگردانی، بخشی از این میراث را با جمع‌آوری و ثبت خاطرات، اندیشه‌ها و آثار او حفظ کرده است. شاید به همین دلیل است که «این صحنه خانه من است» فقط یک روایت از زندگی حرفه‌ای یک هنرمند نیست و در لایه‌های زیرین خود، به بخشی از تاریخ شفاهی تئاتر معاصر ایران نیز تبدیل می‌شود. اگر کتاب را مطالعه کرده باشید، درمی‌یابید لحن گفت‌وگوها به‌گونه‌ای است که هم برای مخاطب حرفه‌ای جذاب است و هم برای علاقه‌مندان به زندگی‌نامه هنرمندان و چهره‌های شناخته‌شده. فیلم تلاش نمی‌کند با استفاده از تصاویر پرزرق‌وبرق یا ساختارهای پیچیده، زندگی ماهیان را بزرگ‌نمای کند؛ بلکه اجازه می‌دهد شخصیت اصلی از مسیر خاطرات، تجربه‌ها و نگاهش به تئاتر، خودش را به مخاطب معرفی کند. همین سادگی در روایت، یکی از ویژگی‌هایی است که فیلم را قابل دنبال کردن می‌کند.

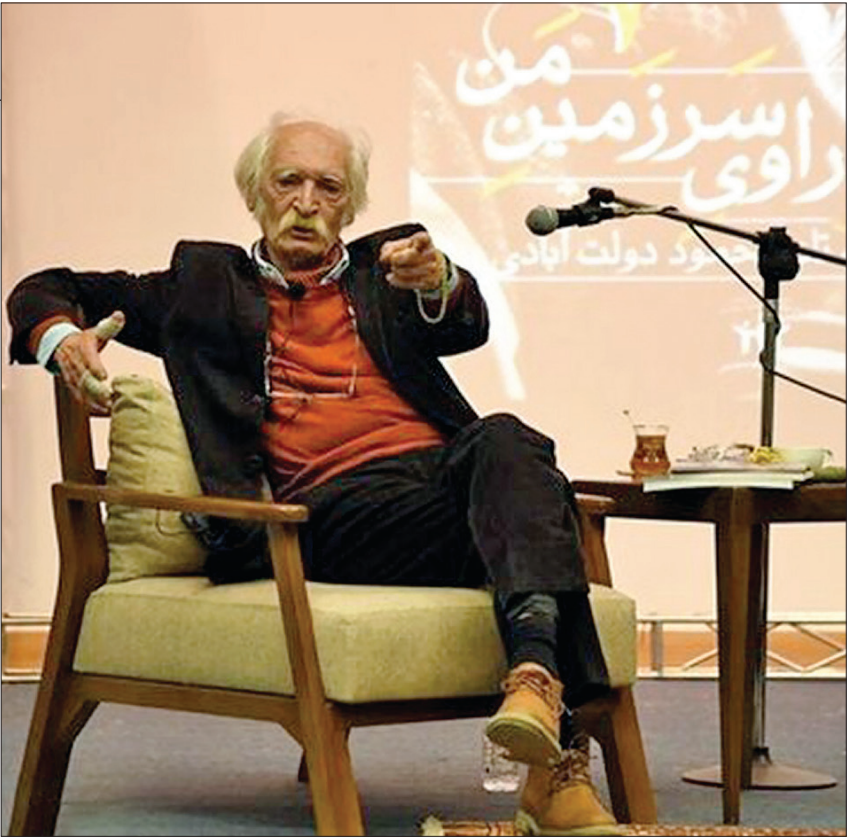
از سوی دیگر، آریان رضایی با تمرکز بر زندگی حرفه‌ای افسانه ماهیان، نشان داده که به‌رغم محدودیت‌ها، می‌توان با صبر، تمرکز، پشتکار و تسلط، به یکی از زنان پیشرو در زمینه تئاتر تبدیل شد. مسیر حرفه‌ای ماهیان بسیاری هموار و بدون مانع نبوده و فیلم در خلال صحبت‌های او، تصویری از دشواری‌های فعالیت مستمر در تئاتر ارائه می‌دهد؛ عرصه‌ای که هنرمند برای ماندن در آن، تنها به استعداد نیاز ندارد و استمرار، شناخت، تجربه و توانایی ایستادگی در برابر شرایط نیز اهمیت زیادی پیدا می‌کند. با به تصویر کشیدن سکانس‌هایی از تئاترهایی که به کارگردانی ماهیان اجرا شده‌اند، مخاطب با کارگردانی چیره‌دست و مسلط آشنا می‌شود. این تصاویر به گفت‌وگوهای فیلم جان بیشتری می‌دهند و اجازه می‌دهند مخاطب فقط شنونده خاطرات ماهیان نباشد، بلکه بخشی از کارنامه هنری او را نیز روی صحنه ببیند. در واقع، حضور این تصاویر آرشویی باعث می‌شود روایت از شکل یک زندگی‌نامه صرف فاصله بگیرد و به سمت معرفی جهان هنری ماهیان حرکت کند.

در این میان، شاید مهم‌ترین ویژگی «این صحنه خانه من است» این باشد که افسانه ماهیان تنها درباره خودش حرف نمی‌زند. هر بار که از مسیر کاری، تجربه‌های تئاتری یا نگاهش به هنر سخن می‌گوید، بخشی از آدم‌هایی که در این مسیر با آنها مواجه شده نیز در روایت او حضور پیدا می‌کنند. از همین زاویه، فیلم را می‌توان روایتی درباره نسل و دوره‌ای از تئاتر ایران دانست؛ دوره‌ای که هنرمندان بسیاری در شکل دادن به جریان تئاتر معاصر نقش داشته‌اند و بخشی از تجربه‌های آنها هنوز در حافظه شفاهی همکاران و شاگردانشان باقی مانده است. حضور نغمه ثمنینی و منوچهر شجاع نیز به همین دلیل اهمیت دارد. روایت زندگی یک هنرمند، زمانی از یک خاطره‌گویی شخصی فراتر می‌رود که شاهدان و همراهان آن مسیر نیز بتوانند تصویری از شخصیت حرفه‌ای او ارائه دهند. این دو نفر در کنار افسانه ماهیان، بخشی از فضای حرفه‌ای و مناسبات هنری او را برای مخاطب روشن می‌کنند و باعث می‌شوند تصویر ارائه‌شده از ماهیان، تنها متکی بر روایت خودش نباشد. از سوی دیگر، انتخاب عنوان «این صحنه خانه من است» نیز عنوانی معنادار برای چنین مستندی است. برای هنرمندی که بخش مهمی از زندگی خود را در صحنه تاتر سپری کرده، صحنه تنها محل اجرای یک نمایش نیست؛ بخشی از هویت و زندگی اوست. شاید بتوان گفت عنوان فیلم، خلاصه‌ای از رابطه ماهیان با تئاتر و از همه مهم‌تر رابطه شاکرد و استادی (حمید سمندریان) است؛ رابطه‌ای که در آن صحنه، خانه‌ای برای زیستن، تجربه کردن، آموختن و ادامه دادن است.

نکته دیگری که در این مستند اهمیت دارد، توجه به نقش زنان در تئاتر معاصر ایران است. افسانه ماهیان در طول سال‌های فعالیت خود تنها به‌عنوان بازیگر شناخته نشده و در مقام کارگردان نیز حضور جدی داشته است. روایت او از این مسیر، به شکل غیرمستقیم تصویری از حضور زنان در فضای حرفه‌ای تئاتر ارائه می‌دهد؛ زنانی که برای تثبیت جایگاه خود، علاوه بر توانایی هنری، نیازمند پشتکار و ایستادگی بوده‌اند. در نهایت، «این صحنه خانه من است» را می‌توان مستندی درباره یک هنرمند و در عین‌حال درباره حافظه یک نسل از تئاتر ایران دانست. فیلم با تکیه بر گفت‌وگو، تصاویر اجراها و روایت‌های شاهدان، تلاش می‌کند بخشی از این حافظه را ثبت کند؛ حافظه‌ای که اگر ثبت نشود، ممکن است با گذشت زمان و از میان رفتن نسل‌های مختلف هنری، بخش‌هایی از آن نیز از بین برود. در واقع دوربین در این مستند کاملاً بی‌طرف است و آنچه مخاطب می‌بیند، حاصل گفت‌وگوهای افسانه ماهیان، نغمه ثمنینی و منوچهر شجاع است. آریان رضایی در جایگاه کارگردان، بیش از آنکه بخواهد قضاوت خود را به مخاطب تحمیل کند، فرصت می‌دهد شخصیت اصلی و آدم‌های نزدیک به او حرف بزنند. شاید همین انتخاب باعث شده «این صحنه خانه من است» در نهایت بیش از آنکه صرفاً یک مستند پرتره باشد، به سندی درباره بخشی از تاریخ معاصر تئاتر ایران تبدیل شود؛ سندی که هم زندگی حرفه‌ای افسانه ماهیان را روایت می‌کند و هم بار دیگر نام حمید سمندریان و تأثیر ماندگار او بر تئاتر ایران را به یاد مخاطب می‌آورد.

دولت‌آبادی پس از ورود به‌تهران فعالیت هنری را به‌طور جدی‌تری دنبال می‌کند و با پیوستن به گروه تئاتر ملی به‌سرپرستی عباس جوانمرد کار تئاتر را به‌صورت حرفه‌ای پی می‌گیرد و کارگردانی را نیز تجربه می‌کند. پس از آن به‌همراه سعید سلطان‌پور، محسن یلفانی و ناصر رحمانی‌نژاد، «انجمن تئاتر ایران» را تشکیل می‌دهند. بازی در فیلم «گاو» ساخته داریوش مهرجویی، نخستین تجربه بازیگری او در سینماست. او که در این سال‌ها با افرادی چون احمد شاملو، جلال آل‌احمد، سهراب سپهری، غلام‌حسین ساعدی و... آشنا می‌شود، از تئاتر فاصله گرفته در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول به‌کار شده و به‌صورت حرفه‌ای‌تر به امر نوشتن می‌پردازد. نخستین اثری که منتشر کرد، یک داستان کوتاه به‌نام «ته شب» بود که سال ۱۳۴۱ در بولتن تئاتر منتشر شد و اولین مجموعه داستان او با نام «لایه‌های بیابانی» در سال ۱۳۴۷ منتشر شد. دولت‌آبادی در طول زندگی ۸۶ ساله خود وقایع تاریخی زیادی را به چشم دیده است. زندگی‌اش پر از داستان‌های جنگ جهانی دوم، انقلاب اسلامی و روزگار جنگ است. شرح زندگی خود او می‌تواند کتاب قطوری باشد و اوضاع اجتماعی ایران را در دوره‌های مختلف تفسیر کند. دولت‌آبادی در دهه ۱۳۵۰ چند مرتبه به زندان افتاد. پس از زندان نگارش «کلیدر» را آغاز کرد که ۱۵ سال طول کشید و در ۱۰ جلد آن را به چاپ رساند و از این نظر بلندترین رمان ایران نامیده شده است. این رمان آینده‌ای است که حقیقت زندگی روستانیان خراسان را نشان می‌دهد.

بسیاری از آثار دولت‌آبادی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، نروژی، سوندی، چینی، کردی، عربی، هلندی، عبری و آلمانی ترجمه شده‌اند و در طول سال‌ها فعالیت فرهنگی خود موفق شد تا جوایز متعددی دریافت کند، ازجمله این جوایز می‌توان به لوح زرین ۲۰ سال داستان‌نویسی برای کلیه آثار، دریافت جایزهٔ بلدا برای یک عمر فعالیت فرهنگی، برندهٔ جایزهٔ ادبی اوو، دریافت جایزهٔ ادبیات بین‌المللی خانهٔ فرهنگ‌های جهان برلین، نامزد دریافت جایزهٔ ادبی آسیایی برای رمان «زوال کلنل»، نامزد دریافت جایزهٔ مَن بوکر آسیا در جشنواره کتاب سنگاپور، برندهٔ جایزه ادبی هوشنگ گلشیری برای یک عمر فعالیت، برندهٔ جایزهٔ ادبی یان میخالسکی سوئیس، نامزد جایزهٔ بهترین کتاب ترجمه در آمریکا و نشان شوالیه هنر و ادب فرانسه اشاره کرد. باید منتظر ماند و دید آیا سرانجام، با دریافت نوبل ادبیات، کلکسیون جوایزش کامل‌تر می‌شود؟



جای خالی نوبل

محمود دولت‌آبادی، متولد ۱۰ مرداد ۱۳۱۹ در دولت‌آباد بیهقی است. بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی در این روستا، دوران راهنمایی را در سبزوار سپری کرد و بعد برای کار به مشهد رفت و ترک تحصیل کرد. در آنجا بود که با نمایش و سینما آشنا شد و برای تکمیل دانش سینمایی خود به تهران آمد و در تئاتر پارس مشغول به کار شد. او از کودکی علاقه زیادی به شنیدن و خواندن داستان و حکایت و دیدن نمایش، داستان‌های شمایل‌گردان‌ها، درویش‌های دوره‌گرد، مآلی ده و مطرب‌ها، نقل اشعار و امثال زنان روستا در شب‌نشینی‌ها و صحبت‌های پیرمردها و نقل آوسنه‌ها (افسانه‌ها) در قهوه‌خانه و تعزیه، از خود نشان می‌دهد. بعدها جهت اخذ دیپلم در کلاس‌های متفرقه در تهران شرکت می‌کند اما به‌دلیل مشغله کاری، نوشتن، کار کردن و تئاتر، انصراف می‌دهد. دولت‌آبادی در این‌باره می‌گوید: «زندگی هنری من در آغاز با تئاتر شروع شد، با دیدن تعزیه در روستا در کودکی و بازی در نقش‌هایی در تعزیه در دوران نوجوانی. بعدها با دیدن تئاتری در مشهد عاشق صحنه تئاتر و بازیگری شدم».

۷۳ هزار فلسطینی را کشته است و نهادهای بین‌المللی متعددی، ازجمله سازمان ملل متحد، آن را نسل‌کشی اعلام کرده‌اند.

ظهر روز شنبه، چند ده معترض مقابل سالن نمایش فیلم در مرکز لینکلن تجمع کردند. آنها پرچم‌های اسرائیل و پلاکاردهایی در دست داشتند که از تماشاگران می‌خواستند «حقایق را یاد بگیرند»، دست‌کم یک کامیون مجهز به نمایشگرهای ال‌ای‌دی نیز در اطراف سالن حرکت می‌کرد که «نازا» را «تیلیغانی در لباس مستند» معرفی می‌کرد. نمایش «نازا» در نیویورک تنها یک روز پس از آن برگزار شد

که نخست‌وزیر اسرائیل در ساختمان مجمع عمومی سازمان ملل، در آن سوی پارک مرکزی، دفاعی تند از استفاده اسرائیل از نیروی مگربار در غزه ارائه کرد. در حالی‌که صدها معترض بیرون ساختمان تجمع کرده بودند و ده‌ها دیپلمات حاضر در داخل سالن در همبستگی با فلسطینی‌ها جلسه را ترک کردند، تانیا‌هو جنگ اسرائیل در غزه را «نقطه مقابل نسل‌کشی» خواند و منتقدان اسرائیل را مورد حمله قرار داد. تانیا‌هو پیش‌تر نیز در واکنش به «نازا» گفته بود برای تصویب قوانین جدیدی تلاش خواهد کرد تا تابعیت افرادی را که به گفته او «به سربازان اسرائیلی افترا می‌زنند» سلب کند.

رواز پنج‌شنبه گفت: «بنابراین خطاب به همه کسانی که این دروغ‌ها را درباره کشور من و سربازان شجاع ما منتشر می‌کنند، چه در این سالن نشسته باشند و چه در دفتر شهردار بهودستیز نیویورک، می‌گویم: شرم بر شما!» تانیا‌هو روز جمعه بار دیگر بر طرح خود برای پیشبرد قانونی جهت سلب تابعیت یووال آبراهام و راشل زور تأکید کرد. این دو نفر از چهار فیلم‌ساز «سرزمین دیگری نیست» هستند؛ مستندی بی‌پرده درباره کرانه باختری اشغالی که در سال ۲۰۲۵ اسکار بهترین مستند را دریافت کرد. تانیا‌هو در گفت‌وگوی با رسانه محافظه‌کار اسرائیلی «ماکور ریشون»، «نازا» را به «اشلیک ددها موشک بالستیک» به سوی اسرائیل تشبیه کرد.

آبراهام که به همراه زور کارگردانی فیلم «سرزمین دیگری نیست» را نیز برعهده داشت؛ اثری با موضوع کرانه باختری که در سال ۲۰۲۵ برنده اسکار شد، این فیلم را براساس گزارش‌های مکتوب خود ساخته است. او در فیلم روی پشت‌بام‌های تل‌آویو



دیده می‌شود که با سوژه‌های خود گفت‌وگو می‌کند، اغلب اطلاعات بیشتری از آنها بیرون می‌کشد و گاهی نیز آنها را به چالش می‌کشد. جمله‌ای مانند «او از این بابت هیچ احساس پشیمانی نکردید؟» از جمله پرسش‌هایی است که ممکن است از او بشنومیم. هدف آبراهام، مانند بسیاری از روزنامه‌نگاران فعال و مطالبه‌گر، آشکارا برانگیختن واکنش و اقدام اجتماعی در میان آمریکایی‌هاست؛ موضوعی که او چندین‌بار هنگام صحبت با تماشاگران جشنواره فیلم نیویورک به آن بازگشت. زور نیز تأکید داشت که فیلم در اسرائیل، جناح چپ این کشور را هدف گرفته است. او گفت: «وقتی در تل‌آویو قدم می‌زنید، احساس می‌کنید تمام این جنایت‌ها در حال وقوع است و هیچ‌کس درباره آنها حرف نمی‌زند. تل‌آویو شهری لیبرال است و بسیاری از مردم خودشان را چپ‌گرا می‌دانند. اما درباره این مسائل صحبت نمی‌کنند یا تلاش می‌کنند آنها را توجیه کنند».

او همچنین از استفاده فیلم از منابع ناشناس دفاع کرد و آن را برای افشای سیستم‌های کشتار گسترده که از سوی دولت اسرائیل پنهان نگه داشته می‌شوند، ضروری دانست. آبراهام گفت: «در طول تاریخ روزنامه‌نگاری تحقیقی، بسیار اوقات اعطای محرمانگی به منابع، وسیله‌ای برای رسیدن به حقیقت بوده است. این فیلم به هیچ شکل دیگری نمی‌توانست ساخته شود و چون این جنایت‌ها همچنان ادامه دارند، احساس کردیم ساخت آن اهمیت دارد». علاوه بر تانیا‌هو، میکی زوهار، وزیر فرهنگ اسرائیل نیز خواستار سلب تابعیت سازندگان فیلم شده و آنها را به «خیانت به کشور» متهم کرده است. ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل نیز گفته است، ارتش «اجازه نخواهد



کمیسیون ماده ۵ و بازگذاری بیشتر

مسیر دیگر، کمیسیون ماده ۵ است؛ نهادی که تغییرات مهم در ضوابط و طرح‌های شهری از مسیر آن انجام می‌شود. اقراریان می‌گویند در مواردی، مجوزهایی از این مسیر صادر شده که ظرفیت ساخت را از میزان پیش‌بینی شده در طرح جامع تهران بالاتر برده است. استدلال منتقدان این است که دریافت عوارض نمی‌تواند همه هزینه این تصمیم‌ها را جبران کند؛ زیرا ساختمان اضافه به معنای مصرف بیشتر زیرساخت، سفر بیشتر و تقاضای بیشتر برای خدمات عمومی است.

ظرفیت ساختمانی بیشتر

TOD، بلندمرتبه‌سازی، کمیسیون ماده ۵، زون‌های ویژه و انتقال مجوزهای ساختمانی هرکدام منطبق و مقررات متفاوتی دارند. نگرانی منتقدان اما زمانی جدی‌تر می‌شود که این سیاست‌ها در کنار یکدیگر قرار گیرند. ممکن است زمینی از طریق TOD ظرفیت بیشتری دریافت کند، هم‌زمان امکان بلندمرتبه‌سازی داشته باشد و بعد نیز موضوع آن در یک مصوبه موردی مطرح شود. مجوزی که امروز صادر می‌شود شاید پنج سال دیگر به ساختمان تبدیل شود و جمعیتی که وارد آن می‌شود برای دهه‌ها از آب، برق، خیابان، مترو، مدرسه و دیگر خدمات شهر استفاده خواهد کرد. منتقدان ممچنین هشدار می‌دهند که ایجاد ظرفیت ساخت برای یک ملک می‌تواند برای مالک حقوقی ایجاد کند و عقب‌نشینی از آن در آینده دشوار باشد.

سلامت

بازگشت ویروس‌های تنفسی

افزایش همزمان کووید و آنفلوآنزا در ایران

فصل بیماری‌های تنفسی در ایران امسال زودتر از آنچه انتظار می‌رود، خود را نشان داده است. تازه‌ترین داده‌های مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از افزایش همزمان شاخص‌های کووید-۱۹ و آنفلوآنزا حکایت دارد؛ افزایشی که کووید را از آستانه «هشدار بالا» عبور داده و در سوی دیگر، آنفلوآنزای نوع B را به ویروس غالب در میان موارد مثبت آنفلوآنزا تبدیل کرده است. براساس داده‌های هفته بیست‌وهفتم نظام مراقبت تنفسی، سهم مراجعان سرپایی دارای علائم شبه‌آنفلوآنزا به ۸۰٫۱ درصد رسیده؛ رقمی که هفته قبل ۶۰٫۵ درصد بود. افزایش در میان بیماران بستری محسوس‌تر است: سهم موارد دارای عفونت شدید تنفسی از ۷۰٫۴ درصد در هفته قبل به ۱۰۰٫۵ درصد افزایش یافته است.

در میان ۲۳۳ نمونه گرفته شده در نظام مراقبت دیده‌وری ۱۷٫۴ درصد از نمونه‌ها از نظر کووید-۱۹ مثبت بوده‌اند؛ درحالی‌که این شاخص در هفته مشابه سال گذشته ۸۰٫۹ درصد گزارش شده بود. وزارت بهداشت اعلام کرده، وضعیت کووید از آستانه هشدار بالا عبور کرده و بر تشدید مراقبت از عفونت‌های حاد تنفسی تأکید کرده است. آنفلوآنزا نیز اگرچه سهم پائین‌تری در نمونه‌ها دارد، نشانه‌های قابل‌توجهی از تغییر الگوی گردش ویروس نشان می‌دهد. از ۵۵۷۲ نمونه بررسی شده در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی ۱۲۶ نمونه، معادل ۲٫۳ درصد، مثبت بوده‌اند. نکته مهم آن است که ۸۰٫۷ درصد موارد مثبت را آنفلوآنزای نوع B تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که در مقطع مشابه سال گذشته، نوع A غالب بود. کودکان نیز سهم قابل‌توجهی از موارد مثبت دارند. ۳۶٫۵ درصد موارد آنفلوآنزا مربوط به کودکان ۶ تا ۱۵ سال اختصاص دارد.

داده‌های توالی‌یابی کووید نیز نشان می‌دهد، نمونه‌های بررسی شده در ماه گذشته به خانواده اومیکرون و زیررده XFG تعلق داشته‌اند. هم‌زمان گزارش‌های بین‌المللی از افزایش فعالیت آنفلوآنزا در بخش‌هایی از شرق آسیا حکایت دارد.

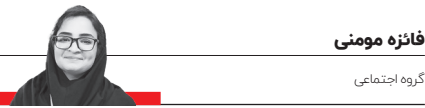
شده است. اگر فقط سرعت گذشته، مبنای محاسبه قرار گیرد -نه برنامه رسمی پروژه- تکمیل حفاری بیش از ۹۵ سال زمان خواهد برد. خط ۱۱ نیز وارد مطالعات شده درحالی‌که طبق اسناد مورد استناد ارزیابی در مرداد ۱۴۰۴ هنوز تصویب نهایی آن محل بحث بوده است. بنابراین مسئله فقط این نیست که اطراف مترو چقدر ساخته شود؛ سوال این است که مترو باید مقدمه توسعه باشد یا وعده مترو می‌تواند از امروز ظرفیت ساخت ایجاد کند؟ در همین طرح ۱۱ محدوده نیز موقعیت ویژه پیدا کرده‌اند؛ نقاطی مانند برج میلاد، نمایشگاه، مصلّا، اراضی فرودگاهی و معدن شن و ماسه. بعضی از این زمین‌ها آتقدیر وسیع‌اند که توسعه آنها می‌تواند در مقیاس یک محله، جمعیت، شغل و سفر تازه تولید کند.

یک شهر، چند مسیر ساخت

در کنار این سطح‌ها، ضوابط بلندمرتبه‌سازی نیز مطرح است. اقراریان نسبت به گسترش بلندمرتبه‌سازی به سراسر تهران هشدار داده و معتقد است چنین سیاستی علاوه بر فشار بر زیرساخت‌ها می‌تواند بر سیمای شهر و ملاحظات پدافند غیرعامل نیز اثر بگذارد. او همچنین از عدم توازن فعلی سخن می‌گوید: برج‌ها و ساختمان‌های بلند بیشتر در شمال تهران، جایی که زمین ارزش بیشتری دارد، متمرکز شده‌اند و همین بازگذاری جمعیتی و فعالیتی به افزایش فشار بر برخی مناطق منجر شده است.

ساخت‌وساز با هر بهانه

از توسعه مترو تا بازسازی جنگ؛ نگرانی از افزایش بازگذاری در تهران بالا گرفته است



فانژه مومنی

گروه اجتماعی

تهران چقدر دیگر ظرفیت ساخت‌وساز دارد؟ این پرسش در سال‌های اخیر با هر تصمیم تازه شهرسازی دوباره مطرح شده است؛ از مصوبات کمیسیون ماده ۵ و بلندمرتبه‌سازی گرفته تا توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی یا TOD. حالا بحث جابه‌جایی مجوزهای ساختمانی در نقاط آسیب‌دیده از جنگ نیز به این فهرست اضافه شده است. این سیاست‌ها از نظر حقوقی و شهرسازی یکسان نیستند اما یک نقطه مشترک دارند: هرکدام می‌توانند، ظرفیت ساخت‌وساز بخشی از تهران را افزایش دهند یا آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل کنند. منتقدان می‌پرسند آیا شهری که شبکه حمل‌ونقل، آب، برق، فاضلاب و خدمات عمومی آن همین حالا زیر فشار است، ظرفیت پذیرش این حجم از بازگذاری جدید را دارد؟ مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، ازجمله منتقدانی است که نسبت به «بازگذاری‌های توده‌ای» در بعضی مناطق و پادگان‌ها هشدار داده است. به گفته او، افزایش ساخت‌وساز بدون توجه به ظرفیت معابر، تقاضای سفر را بالا می‌برد و بخشی از گردهای ترافیکی امروز تهران، نتیجه همین سیاست‌های گذشته است.

مترو و زمین‌های گران‌تر

یکی از تازه‌ترین مناقشه‌ها از جایی آغاز می‌شود که ظاهراً ارتباط مستقیمی با تراکم‌فرشی ندارد: توسعه حمل‌ونقل عمومی TOD در تعریف کلی خود قرار است، شهر را به شکلی

گردشگری

پروازهای ایران در انتظار نجف

عراق می‌گوید: پروازها به زودی از سر گرفته می‌شود اما سازمان هواپیمایی ایران هنوز تأیید نکرده است

فرودگاه نجف طی ۲۴ ساعت آینده خبر داده بود.

سفیر عراق گفته است، دولت این کشور تصمیمی برای توقف پروازها با ایران نگرفته و اختلال ایجاد شده به شرکت‌های خارجی ارائه دهنده خدمات زمینی در فرودگاه‌ها مربوط است. به گفته او، این شرکت‌ها تحت‌تأثیر فشار ناشی از تحریم‌های آمریکا از ارائه خدمات به هواپیماهای ایرانی خودداری کرده‌اند. محدودیت پروازهای ایران در عراق در شرایطی ادامه دارد که از ابتدای مهر، فشارهای آمریکا بر صنعت هوانوردی ایران افزایش یافته است. دولت آمریکا هشدار داده، شرکت‌ها و فرودگاه‌هایی که خدماتی ازجمله سوخت‌رسانی و خدمات زمینی به هواپیماهای ایرانی ارائه کنند ممکن است مشمول محدودیت‌های آمریکا شوند.

این وضعیت باعث شده، مسئله خدمات فرودگاهی به یکی

حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۱۱۸۷۶/۳۱۸۰۰۱۰۱۴۵۶۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی ایزدی ویشکانی به شماره ملی ۱۸۹۸۷۳۲۳۴ فرزند مهدی در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثیه مساحت ۱۶۱/۸۴ متر مربع به شماره ۴۷۲۲۶ فرعی مجزی از ۱۱۶ از اصلی ۷۷ واقع در بخش ۴ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت نام مالک رسمی اولیه حسین امیر مستوفیان ؛احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی مجرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت تقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۴۴۴۸ شناسه آگهی: ۲۷۲۳۵۶۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۷

غفار فرزانه رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت

حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۱۴۹۳۳/۳۱۸۰۰۱۰۱۴۵۶۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۲۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم فریبا اسنادی قلعه چق به شماره ملی ۲۰۸۹۷۳/۲۷۲۰۲ فرزند محمد حنیفه در ششدانگ یک قطعه زمین شالیزار به مساحت ۴۰۳/۳۹ مربع به شماره ۸۱ واقع در بخش ۴۴ گیلان حوزه ثبت ملک ناحیه یک رشت نام مالک رسمی اولیه عبدالله علیزاده گورابی احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی مجرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف ۴۴۵۶ شناسه آگهی: ۲۷۲۳۸۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۷

غفار فرزانه رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک رشت

